



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Place of Mysticism in the Poetic Literature of the Sacred Defense

H. Ghotbi Nejad¹, M. Akbari², A. Hajiannejad²

1- Department of Persian Language and Literature, University of Tehran Kish International Campus, Kish, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 17 January 2021

Reviewed: 18 February 2021

Revised: 05 March 2021

Accepted: 19 April 2021

KEYWORDS

Holy Defense; Mysticism; Poetry;
Holy Defense Literature,
Mystical Literature

*Corresponding Author

✉ h.ghotbinejad@gmail.com

☎ (+98 21) 66491437

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The present study has been conducted on the place of mysticism in the literature of sacred defense poetry. The main purpose of this study is to answer the question of whether mystical terms and teachings have been used in the literature of the sacred defense system or not; if so, how did poets use mystical terms?

METHODOLOGY: This research is of theoretical type, relying on qualitative content analysis. The research method is a library method based on the study of books and articles related to the subject, which has carefully extracted and evaluated the required data from sources using the method of taking notes.

FINDINGS: Among the studied poems, those that had a mystical approach were extracted, and based on this, it was determined that the poets of the Holy Defense often used mystical teachings and terms in their poetry, and it was also determined that the poets were mystics. Practically and theoretically, they have also taken different positions in dealing with mysticism.

CONCLUSION: What is the result of this research is the certainty of the connection between mysticism and its concepts with the literature of sacred defense (poetry) and also the fact that the diversity of views and diversity of usage in relation to mysticism, combined with intensity and weakness, in the poems of observation poets Has been.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.6123](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.6123)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 27	 0	 2

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

جایگاه عرفان در ادبیات منظوم دفاع مقدس

حکیمه قطبی نژاد^۱، منوچهر اکبری^۲، علیرضا حاجیان نژاد^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران پردیس بین‌المللی کیش، کیش، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: پژوهش حاضر پیرامون جایگاه عرفان در ادبیات منظوم دفاع مقدس انجام گرفته است. هدف اصلی پژوهش، پاسخ دادن به این پرسش است که، در ادبیات منظوم دفاع مقدس از اصطلاحات و تعالیم عرفانی استفاده شده است یا خیر؛ در صورت استفاده، نحوه استعمال شاعران از اصطلاحات عارفانه چگونه بوده است؟

روش مطالعه: این پژوهش از نوع نظری است، با تکیه بر تحلیل کیفی محتوا. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است که بر پایه مطالعه کتابها و مقاله‌های مرتبط به موضوع، با استفاده از شیوه یادداشت‌برداری، داده‌های موردنیاز را بدقت از منابع، استخراج و ارزیابی کرده است. **یافته‌ها:** از میان اشعار بررسی شده، آنهایی که دارای رویکرد عارفانه بوده‌اند، استخراج گردید و براساس آن، مشخص شد که شاعران دفاع مقدس اغلب در شعر خود از تعالیم و اصطلاحات عرفانی بهره برده‌اند، همچنین شاعران به عرفان عملی و نظری توجه داشته و موضع‌گیری متفاوتی در برخورد با عرفان اتخاذ کرده‌اند.

نتیجه‌گیری: آنچه رهاورد این پژوهش است، قطعیت پیوند بین عرفان و مفاهیم آن با ادبیات دفاع مقدس (شعر) است و نیز، این نکته که تنوع دیدگاه و تنوع استعمال در ارتباط با عرفان، توأم با شدت و ضعف، در اشعار شاعران مشاهده شده است.

تاریخ دریافت: ۲۸ دی ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۳۰ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۵ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۳۰ فروردین ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

دفاع مقدس، عرفان، شعر، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات عرفانی.

* نویسنده مسئول:

✉ h.gotbinejad@gmail.com

☎ ۶۶۴۹۱۴۳۷ (۲۱ ۹۸+)

مقدمه

جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، فرهنگ پرباری از ارزشها و ایثارگریها رقم زده که بازتاب آن، در همه سطوح فرهنگی جامعه، بویژه ادب و هنر مشهود است. دفاع مقدس به ادبیات فارسی رفته‌رفته نوع و جهت تازه‌ای بخشید که نزد ما به ادبیات دفاع مقدس شناخته میشود: «فرهنگ دفاع مقدس مجموعه‌ای از افکار، اعتقادات، باورها، ارزشها، پسندها، علایق و دل‌بستگیها، روابط عرف و عاداتی است که در جریان دفاع مقدس متجلی شد. عرصه‌های «گفتاری»، «نوشتاری» و «رفتاری»، شکل‌دهنده این فرهنگ ارزشمند و ارزش‌آفرین و طبعاً قابل‌انتقال به نسلهای بعدتر است» (حفظ و انتقال دفاع مقدس، برزقونی: ص ۷).

ادبیات دفاع مقدس، تنها به موضوعات حماسی و رزم‌آوریه‌ها و شیوه‌های دفاع از مرزوبوم اختصاص ندارد، بلکه برآیند جنگی که جنبه قدسی و هدف الهی داشته است، آمیخته با مضمونها و مفاهیم متعالی بشری است؛ از این رو ادبیات دفاع مقدس، بویژه شعر، که بهترین بستر برای بروز احساسات و اندیشه‌های ناب است، بی‌ارتباط با عرفان، نخله وصول به حق و حقیقت بر پایه یقین قلبی نیست. بصیری در مقاله خود با عنوان «حکمت عملی، بنمایه ادبیات پایداری» عقیده دارد که ادبیات، بدون حکمت عملی، ادبیات پایداری نیست و حکمت عملی را نیز متشکل از چهار عنصر اخلاق ادبی یا ادبیات اخلاقی؛ اخلاق دینی؛ اخلاق فلسفی و اخلاق عرفانی طبقه‌بندی میکند و جمیع این موضوعات را مؤثر بر شکل‌گیری ادبیات پایداری میداند (حکمت عملی، بصیری: ص ۴۳). همانطور که ملاحظه میشود اخلاق عرفانی و بطور کلی عرفان یکی از عوامل سازنده ادبیات پایداری دانسته

میشود؛ بدیهی است که ادبیات دفاع مقدس، زیرشاخه مهم ادبیات پایداری در کشور ماست.

آنچه نگارندگان این مقاله را بر نگارش این پژوهش برانگیخته است، بررسی تأثیر فضای معنوی (عارفانه) دفاع مقدس بر شعر دفاع مقدس است. دفاع مقدس صحنه جانبازی افرادی است که به جنگ و کشته‌شدن در آن متفاوت مینگریستند. جنگ برای رزمنده‌های ایرانی، بنابه باورهای دینی، جنگ در راه خدا بود و کشته شدن نیز در راه خدا، مقامی والا و جایگاهی ویژه نزد پروردگار داشت؛ به همین دلیل کشته‌شدگان در راه خدا شهید محسوب میشوند؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ». (هرگز گمان مبر، کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده میشوند) (آل عمران: ۱۶۹).

با در نظر داشتن دیدگاه معنوی سربازان ایران در دفاع مقدس و با در نظر داشتن ادبیاتی که جنگ، این رویداد سرنوشت‌ساز تاریخی بوجود آورده است، سؤال اینجاست که، آیا شاعرانی که در زمینه دفاع مقدس طبع‌آزمایی میکنند، به پیوند آن با عرفان توجه کرده‌اند؟ بر این اساس سعی شده است با بررسی شعر شاعران دفاع مقدس، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا این شاعران، از اصطلاحات و مفاهیم عرفانی در شهر خود بهره جسته‌اند و در صورت استفاده، آیا میشود گفت عرفان در شعر ایشان، برآیند دین و مذهب است و به اصطلاح عرفان مستعمل در شعر ایشان عرفانی اسلامی است؟ در نهایت به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که موضع شاعران دفاع مقدس در برابر عرفان چگونه بوده است؟

بیش از ۴۰ کتاب با موضوع شعر دفاع مقدس که بیشتر آنها، گزیده‌شعرهای دفاع مقدس و اغلب منتشرشده در دهه ۸۰ بوده‌اند، منبع کار این پژوهش قرار گرفته است. در مجموع، شعر ۱۰۷ شاعر فعال در حیطه دفاع مقدس مورد ارزیابی قرار گرفت که در فهرست منابع مشخص گشته‌اند.

ضرورت و سابقه پژوهش

پیرامون ادبیات منظوم دفاع مقدس (شعر جنگ)، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته و نیز پیرامون ادبیات عرفانی و یا عرفان، بطور خاص؛ اما تحقیقات مشابه موضوع این مقاله که در پیوند با عرفان و ادبیات منظوم دفاع مقدس شکل گرفته است، از قرار زیرند:

در وهله اول به کتاب «حماسه و عرفان» اثر آیت‌الله جوادی آملی برمبخوریم. جوادی آملی قائل به هماهنگی و پیوند بین حماسه و عرفان است. از نظر ایشان عارف حقیقی از دنیا و تعلقاتش کناره‌گیری میکند، دل به عشق هستی‌آفرین میندازد؛ در عینحال به معاشرت با خلق‌الله و خدمت به ایشان اشتیاق دارد و این نگرش آخرت‌طلبی اوست، نه دنیاگرایی. ازسوی دیگر شجاعت، صفت انسانی است که تمام توان خود را صرف احیای مکتب و آیین و خدمت به خلق میکند. از نظر ایشان اعراض از دنیا پسندیده است، اما کناره‌گیری از جامعه و انزوا، پسندیده نیست (حماسه و عرفان، جوادی آملی: ص ۱۵۵).

چند مقاله مرتبط با موضوع این مقاله نیز یافت شد:

«مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس» عنوان مقاله‌ای است که در اولین شماره نشریه ادبیات پایداری در سال ۱۳۸۸، به چاپ رسیده است. شریف‌پور و همکارانش به این نتیجه رسیده‌اند که شاعران دفاع مقدس، در کنار به تصویر کشیدن حماسه‌سازیهایی مجاهدان راه حق، از اصطلاحات و مضامین عرفانی بهره برده‌اند و از این میان، عشق به معبود حقیقی و ایثار حیات در راه عشق، پربسامدترین مفاهیم عارفانه‌ای است که در شعر شاعران دفاع مقدس دیده میشود. «تجلی حماسه و عرفان عاشورایی در ادبیات انقلاب اسلامی ایران»، مقاله دیگری است که توسط شریفیان و دیگران در نشریه ادبیات پایداری، سال ۱۳۹۰ منتشر گشته است. «پیوند حماسه و عرفان در اشعار قیصر امین‌پور»، نوشته نظرچوب مسجدی در سال ۱۳۹۲ در نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان به چاپ رسیده است. محمدصادق بصیری در مقاله «حکمت‌عملی، بنمایه ادبیات پایداری ایران» که در سال ۱۳۹۳ در نشریه ادبیات پایداری منتشر ساخته است، اخلاق عرفانی را یکی از اجزای شکل‌گیری ادبیات پایداری در نظر گرفته است.

پژوهشی جامع که ادبیات منظوم دفاع مقدس را از منظر چگونگی رویکرد عرفانی و نحوه استعمال مفاهیم عرفانی در شعر دفاع مقدس بررسی کرده باشد، در میان پژوهش‌های انجام‌شده دیده نشد.

ادبیات دفاع مقدس در کشور ما، هنوز جوان است و نیازمند نقد و بررسی علمی؛ از این جهت که زمینه گسترش، رشد و تعالی آن را فراهم گرداند. شناسایی ارزشهای دفاع مقدس، انتقال و جاودانه ساختن آنها، از طریق ادبیات میسر است و ادبیات نیز باید از بوتۀ آزمون‌ها و انتقادهای فراوانی رد شود، تا پختگی و در نتیجه تأثیرگذاری لازم را پیدا کند. بدیهی است شعر دفاع مقدس، پیگیری زیاد و ارزیابی تخصصی میطلبد که به مرز سختگی برسد. امثال این پژوهش، یعنی بررسی شعر دفاع مقدس از زوایای گوناگون، این امر را به تحقق خود نزدیک میگرداند.

اهداف پژوهش

تبیین رویکرد عرفانی شاعران دفاع مقدس به شعر.

تبیین نحله‌های عرفانی (عملی و نظری) در شعر دفاع مقدس.

ارزیابی پیوند سه‌گانه جنگ، دین و عرفان در شعر دفاع مقدس.

تبیین موضع شاعران دفاع مقدس در ارتباط با عرفان.

بحث و بررسی

بررسی جایگاه عرفان در شعر دفاع مقدس در این مقاله، از سه منظر صورت گرفته است؛ اشعاری که دارای مفاهیم، اصطلاحات و اندیشه‌های عرفانی هستند، با دیدی نقادانه - به نحوه کاربرد این مفاهیم و اصطلاحات از دیدگاه هر شاعر - ارزیابی گشته‌اند. آنچه مدنظر بوده نگاه شاعر و رویکردی است که به پدیده عرفان در پیوند با دفاع مقدس داشته است. از دیدگاه تخصصی، این مسئله بررسی میشود که آیا شاعران توجهی به عرفان عملی یا عرفان نظری داشته‌اند؟ پیوند سه‌گانه دفاع مقدس، دین و عرفان، در شعر دفاع مقدس دیده میشود؟ در آخر اینکه شاعران در برخورد با عرفان چه موضعی گرفته‌اند؟ این سه موضوع، مؤلفه‌های پژوهشی نگارنده‌ها در این مقاله بوده که براساس شواهدی که از نظر گذشته است، نتایجی نیز حاصل نموده است. تقسیم‌بندی این بخش نیز تحت سه عنوان صورت گرفته و شواهد مربوط به هر عنوان، ذیل آن آورده شده است. هر عنوان دارای زیرعنوانهای مختص به خود است.

جایگاه عرفان عملی و نظری در شعر دفاع مقدس

از قرن هفتم هجری به بعد، یعنی پس از ظهور ابن عربی، عرفان وارد مرحله تازه‌ای شد. این دوره که به عرفان نظری شهرت دارد، به عرفان بُعد نظریه‌پردازی داد. تا پیش از آن هرچه گفته، شنیده یا دیده میشد، برخاسته از ذوق عارفان بود؛ به همین دلیل، عرفان عملی یا عرفان ذوقی نامی است که بر مسلک عرفان تا پیش از ابن عربی نهاده شده است. پیش از ابن عربی، مانیفستی اگر صادر میشد، همه پیرامون آداب سلوک بود؛ تعداد مقامها، انواع حالات عارف، ادب مرید و منش مراد و بکل، صفر تا صد پیمودن طریق حق.

ابن عربی با دیدی فلسفی، تعریفی دیگر از عرفان را ارائه داد و اصطلاحاتی وضع کرد که نقطه عطفی بر تاریخ و تحول عرفان شد. نظریه وحدت وجود و انسان کامل، مهمترین این تعبیرات است. معرفتی که تا پیش از ابن عربی بر محور شناخت انسان و خدا بود، پس از آن به شناخت هستی از منظر عرفان منتهی شد: «در سنت اول عرفانی، مبنای معرفت دو رکن است: یکی خداوند و دیگری انسان. بر این اساس معرفت وقتی حاصل میشود که عارف بدرستی جایگاه انسان و خداوند را بشناسد و نحوه ارتباط این دو را دریابد. درجه و مرتبه کمال هر عارف، به میزان معرفت او بستگی دارد... به موجب «من عرف نفسه، فقد عرف ربه»، معرفت وقتی حاصل میشود که انسان جایگاه خود و ربه خود را بشناسد و نسبت خود را با خدای خود دریابد» (عرفان عملی و نظری یا سنت اول و دوم عرفانی، میرباقری فرد: ص ۷۴).

همه نخله‌های عرفانی، بر وصول به معرفت حق اشتراک دارند، اما در عرفان نظری «معرفت بر سه رکن استوار است: خداوند، انسان و هستی. معرفت با شناخت جایگاه این سه رکن و رابطه سه‌گانه آنها حاصل میشود. به اعتقاد پیروان این سنت، وجود، یکی بیش نیست و آن، وجود خداوند است. این وجود، مراتب و درجاتی دارد. هر مرتبه مظهر مرتبه بالاتر است و خود بر مرتبه فروتر متجلی میشود. بدین ترتیب مراتب و درجات هستی باهم پیوند پیدا میکنند. این مراتب از مرتبه احدیت به طریق فیض اقدس تعین پیدا میکنند. این سیر تا عالم تجربی یا عالم شهود که پایینترین مرتبه هستی است، ادامه مییابد» (همان: ص ۷۵).

از بررسی اشعار دفاع مقدس، توجه شاعران به عرفان عملی مشهود است؛ عرفان عملی در شعر دفاع مقدس جایگاه ویژه‌ای دارد. تقریباً همه مفاهیم و اصطلاحات مألوف عرفان عملی، در شعر شاعران بکار رفته است. شاعران از حالات و مقامات عرفانی و اصطلاحات خاص تصوف بهره برده‌اند و در ضمن آن گاه شعرشان به

داستانهای عرفانی مربوط به عرفای بزرگ تلمیح دارد. از این منظر کاربرد عرفان عملی حجم زیادی از اشعار را به خود اختصاص میدهد که البته ارتباطی با نوع مضمون پردازی، معنابخشی و تصویرسازی شاعر ندارد و تنها اشاره شاعر یا ایجاد صورخیال ساده، با استفاده از این اصطلاحات، رویکرد شاعر را مشخص میکند.

ذکر تمامی شواهد عرفان عملی در محدوده این مقاله نمیگنجد؛ به همین سبب سعی شده است نمونه‌های برجسته از عرفان عملی و یا نمونه‌هایی که حاوی چندین اصطلاح یا مفهوم عرفانی است، در این بخش نقل شوند. (آینه‌گی، ایمان، روز الست، باده و ساقی، تجرید، تجلی، تسلیم، پیر و مراد، جذبه، جهاد، حضور، حق، حیرت، خرقه و دلق، خلسه، خلوت، درد، ذکر، راز، رضا، رندی، زهد، سکر، شوق، شهیدوشهادت، سماع، صبر، عروج، عشق، عقل‌ستیزی، غیرت، فناوبقا، قرب، قلندر، کشف‌وشهود، لاوالا، مرگ سرخ، معرفت، مقام، نور، وجد، وجود، وصل، هجران و یقین، اصطلاحات و مفاهیمی هستند که در شعر شاعران دفاع مقدس بکار رفته‌اند).

عشق

عشق اساسی‌ترین مؤلفه عرفان است. در عرفان شناخت‌حق با ابزار دل صورت میپذیرد که به عشق میان سالک و معبود مینجامد. «عشق سیفی است که از عاشق سرحدوت برمیدارد. سر کوهپایه صفات است که جان عاشق، چون بدانجا رسید، مأخوذ عشق گشت» (عبدالعاشقین: ص ۱۳۹). در شعر شاعران دفاع مقدس، عشق در معنای عرفانی‌ش، کاربرد قابل توجهی دارد. چند نمونه از کاربرد عشق در شواهد زیر، قابل مشاهده است:

محمدرضا یاسری، شهدا را عاشقان الهی میداند که از باب عشق به جنت راه مییابند، اما اسباب و ابزار این عاشقان، معرفت است؛ یعنی شهدا ابتدا قدم در راه معرفت گذاشتند و سپس به عشق معشوق دست یافتند:

ای شهیدان که خرمشهر، خرم از شماست
عشق جان‌افروزتان گویای عرفان شماست

هر که از بایی بهشتی شد، شما از باب عشق
عاشقان را نیست غیر از معرفت اسباب عشق
(حماسه‌های همیشه، بیگی حبیب‌آبادی: ص ۱۳۱۲).

در شعر عزیزالله خدّامی، شقایق نماد شهید داغی بر سینه دارد که بر اثر تب عشق حاصل شده است. بلحاظ ظاهری گل شقایق در انتهای گلبرگهای خونینش لکه سیاهی دارد که به تعبیر شاعرانه حاکی از داغی است که به دل گرفته است. شهدا نیز چنین داغی بر دل داشتند، اما این داغ از هرم عشق حق در دلشان جای گرفته است:

در هیاهوی انال‌حق، صد گلو "یا هو"ی سرخ
نبط شورای شقایق از تب عشق است، داغ

با سر شوریده در معراج، داری ماند و من
داغ بر دل، بی شقایق روزگاری ماند و من
(غزلهای باغ ارغوان، گل‌مرادی: ص ۱۴۳).

ساعد باقری برای عشق الهی مقاماتی متصور است و اذعان دارد که شهدا برای هر مقام عشق، زخمی برجای گذاشته‌اند. از این به بعد هرکس در این مقامات پای بگذارد، زخمها میبندد و زخم بر زخم خویش میگذارد و پیش میرود. در قسمت بعد با اشاره به هفت شهر عشق (تضمینی به شعر مولانا) که نمادی از هفت مقام و منزلی است که سالک باید پشت سر بگذارد تا به مقصود دست یابد، شهادتی را که سر به راه عشق باخته‌اند، در حال سرک کشیدن به هفت شهر عشق تصویر میکند:

این سبک‌بالان که تا عرش جنون پر میکشند
از دم تیغ شهادت باده‌جوی وصل‌ت‌اند

آفتاب وصل را چون صبح دربر میکشند
نیل اگر گردد بلا، لاجرعه‌اش سر میکشند

هر مقام عشق را موقوف زخمی ساختند بی‌سران، در هفت‌شهر عاشقی سر میکشند
آفتابی دیگرند اینان که روز خصم را تیره میسازند، چون از کوه سر بر میکشند
(همان: ص ۶۱)

شهید و شهادت

مقوله شهادت در عرفان که دور از عقاید دینی نیست، با همان تعریفی که در دین دارد، پذیرفته شده است؛ ضمن اینکه عرفا از شهادت و شهید تعبیری ویژه نیز دارند. «انگیزه اصلی و دلیل عمده شهادت در این نگرش، جنبه اعتقادی است و خمیرمایه آن عشق و محبت دیوانه‌واری است که منجر به جان‌باختگی میشود» (شهید و شهادت در عرفان اسلامی، نیری و خیراندیش: ص ۲۳). عرفا با تکیه بر این حدیث قدسی: «مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي وَ مَنْ عَلِيَ دَيْتَهُ فَانَا دَيْتَهُ» (شرح مثنوی شریف، فروزانفر: ص ۳۴)، سرانجام مبتلایان به عشق حق را کشته شدن میدانند، اما خونبهای این مرگ، وصال معشوق است.

حال نگاهی انداخته میشود به نحوه برخورد شاعران دفاع مقدس با مفهوم شهید و شهادت از منظر عرفانی آن. حمید سبزواری شهید را کشته راه حق میدانند که بواسطه جلال پروردگار به وصال او رسیده است:

تو شهید حق، ز جلال حق که رسیده‌ای به وصال حق
به «حمید» تا ز سؤال حق چه رسد به محضر امتحان
به تو و عروج تو مرحبا، سفر خروج تو مرحبا
که به جای مانده منم من ز سفر، ز جاده کاروان

(غزلهای باغ ارغوان، گل‌مرادی: ص ۲۱۰).

مهرناز آزاد، برای شهادت و شهادت‌طلبی در عرصه دفاع مقدس، دلیل زیبایی پیدا کرده است؛ جلوه‌گری عرفان و حقیقت:

هر خاکریز پر ز قیام و هجوم عشق هر سنگریزه شاهد صدها رشادت است
اینجا تمام جلوه عرفان، تمام حق زیباترین دلیل برای شهادت است
(آوای شرجی، زاغیان: ص ۲۰).

در شعر بعدی، شاعر در وصف مقام شهید در نزد عرشیان، داد سخن میدهد و شعر خودش را در مقام شهید، شعری عارفانه میدانند؛ این یعنی مقام شهید برابر با مقام عارف است:

و دیگر این که خدا گفته: «میهمان من است» و عارفانه شده شعر لاله‌فام شهید
فرشتگان همه صف در صف ایستاده به عرش سرودخوان و گل‌افشان، به احترام شهید
«بشیر» نیز چنین گفته است با گل سرخ: "بخوان به نام شهادت، بخوان به نام شهید"
(خلیلی‌فر: ص ۹۳).

حسین اسرافیلی شهادت‌طلبی رزمندگان را بنحوی کاملاً عارفانه تصویر میکند:

میبرم منزل به منزل چوب دار خویش را تا کجا پایان برم، آغاز کار خویش را
در طریق عاشقی، مردن نخستین منزل است میبرد بر دوش خود منصور، دار خویش را
(غزلهای باغ ارغوان، گل‌مرادی: ص ۳۵)

اتفاق سرخ، تصویر شهادت است که خاک شهید را محلی برای عبادت میکند:

همیشه/ یک قامت عقبر بود/ از سجده‌گاه/ آن اتفاق سرخ که افتاد/ - او هم - / مَهر نماز شد (بر شانه‌های رود، دریاها شناورند، سهرابی نژاد: ص ۲۸۵).

پیر و مراد

گام نهادن در راه حقّ و رسیدن به حقیقت، هرچند به پای دل است، برای روشن نمودن جادهٔ عشق، چراغ هدایت لازم است. سلوک بدون داشتن پیر و مراد، سر به منزل مقصود نمیبرد و در عرفان بر داشتن پیر تأکید زیادی شده است: «در تصوّف وجود شیخ ضروری است و بر مرید است که اوامر او را بیچون و چرا اطاعت کند. از اینرو گفته‌اند: "الشیخ فی قومه کالتبی فی أمته" پیر در میان قوم خود، همچون پیامبر است در میان امت» (مبانی عرفان و تصوّف، انصاری: ص ۱۲۱).

در شعر دفاع مقدّس، مسئلهٔ پیر و مراد برجستگی خاصی دارد. این موضوع از دو لحاظ در شعر دفاع مقدّس اهمیت پیدا کرده است؛ اعتقاد و ارادت به رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی^۹، که رهبری معنوی بوده و برای پیروانش نقش پیر و مراد داشته است.

با این پیش‌زمینه نظر می‌فکنیم بر چند نمونه از شعر دفاع مقدّس که به موضوع پیر و مراد پرداخته‌اند. شاعر در شعر زیر، به لزوم اطاعت و پیروی از پیر توصیه می‌کند و معتقد است در غیر این صورت، تقوا و ایمان برباد می‌رود. شاعر با تکیه بر سفارش پیر، مریدان و پیروان را به اتحاد و پرهیز از تفرقه فرامیخواند:

کمر به بندگی پیر خرقه‌پوشان بند	وگرنه حاصل تقوا به باد باید داد
تو غمگانه به خاک شهید عشق مگری	که جان به مقدم جانانه شاد باید داد
به دست باش که جان در بهای آزادی	به دست دامنش در اوفتاد باید داد
یکی ز پیر طریقت نصیحتی است مرا	که گوش به سخن اوستاد باید داد
مگو سخن ز جدایی، مگرد گرد نفاق	که تکیه بر علم اتحاد باید داد

(سرود سپید، سبزواری: ص ۲۰۸).

محمد مستقیمی به مرتبهٔ مرشدی و پیری رزمندگان و شهدا اشاره کرده است:

در سماع عشق، با آهنگ زنجیریم ما	در خرابات دلیران، مرشد و پیریم ما
	(مجموعه شعر جنگ، شاهرخی و مشفق کاشانی: ص ۲۹۶).

در شعر غلامرضا محمدی، پیر جماران، امام خمینی^۹، با همت عالی خویش بادهٔ معرفت به مریدانش نوشاند:

زمانه فصل گل سرخ گل‌نزاران است	زمین به لرزه ز تکبیر پرتوین شما
غلام همت آن پیر در جمـارـانم	که ریخت بادهٔ عرفان به ساتکین شما

(مجموعه شعر جنگ، شاهرخی و مشفق کاشانی: ص ۲۹۷).

نفی ماسوی

نفی وجود غیر در عرفان و سپس رسیدن به مرحلهٔ اثبات یگانگی حقّ، مقوله‌ای مورد توجه است. عرفا با استناد به کلمهٔ توحید، لاله‌الاله، و تکیه بر کلمهٔ "لا" و سپس "الا" این مفهوم را تفسیر یا تعبیر می‌کنند؛ بطوری که لا و الا، نماد نفی غیر و اثبات وجود حقّ شده است: «اشاره به لاله‌الاله است. کلمهٔ "لااله‌الاله" اگرچه صورت نفی

دارد، غایت اثبات است و در نهایت تحقیق، اشارت ارباب معرفت آن است که، "لا" در ابتدا کلمه نفی اغیار است و "الا الله" اثبات جلال الهی» (فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سجادی: ص ۶۸۲). این معنی در شعر دفاع مقدس نیز بکار رفته است.

روزبه فروتن پی، با ترکیب "شراب بی‌غش لا"، بریدن تعلق از دنیا را معادل مقام نفی غیر دانسته است، این نفی با سرمستی و خلوص همراه است:

میرفت که پشت پا به دنیا بزند لاجرعه شراب بی غش «لا» بزند
خورشید که دریای نگاهش را دید پایین آمد که دل به دریا بزند
(از روزنه ماه، فروتن پی: ص ۴۹).

سیاوش دیهیمی، لاوالا را سرودی میداند که بر لب عاشقان حقیقی جاری میشود:

عاشق چو شدند، شعله‌آسا رفتند خواندند سرود «لا» و «آل» رفتند
چون رود، به پای سر دویدند به شوق تا سینه نیلگون دریا رفتند
(همان: ص ۳۹).

در جایی دیگر، شاعر، درد را معادل مفهوم "لا و الا" دانسته است:

درد یعنی، "لا الهی ... لاله‌رنگ گفتن و خفتن در آغوش تفنگ
(خلیلی فر: ص ۲۵).

وحدت وجود

هرچند کفه عرفان عملی در شعر دفاع مقدس سنگینتر است، ردپای عرفان نظری نیز در شعر شاعران دیده میشود. نکته حائز اهمیت این است که عرفان نظری، وضوح و صراحت عرفان عملی و نیز بسامد بالای آن را ندارد. اندیشه وحدت وجودی تنها نشانی است از تفکر ابن عربی که بطور ضمنی در شعر دفاع مقدس بکار رفته است. در این بخش شواهد مربوط به عرفان نظری آورده شده است.

شهید (در مقام انسان کامل)، به جایگاهی میرسد که در آینه، بجای تصویر خویش، تصویر معشوق حقیقی را میبیند. این نکته میتواند متضمن مفهوم وحدت وجود باشد که در شعر مهدی الماسی آمده است:

از باغ وصال میوه میچید شهید در آینه روی یار میدید شهید
طومار سیاهی و تباهی بگسست در قعر شب از افق چو تابید شهید
(باغ باور، رستمی: ص ۲۰)

مهر نماز شدن شهید، تبدیل شدن (خاکش) به سجده‌گاه است؛ رسیدن شهید به مقامی است که از بندگی گذشته و به معبودی و یکی شدن با معبود رسیده است و این میتواند حاکی از عقیده به وحدت وجود باشد: همیشه/ یک قامت عقبت بود/ از سجده‌گاه/ آن اتفاق سرخ که افتاد/ - او هم - / مهر نماز شد (بر شانه‌های رود، دریاها شناورند، سهرابی‌نژاد: ص ۲۸۵).

محمدحسین شاعری، در شعر خویش، امام خمینی^{ره} را که پیر و مراد اوست، چون خورشید معرفت میبیند که بر دلش تأثیر گذاشته و قلبش را نورانی کرده است و بعد از آن، خود پرتوی از آن نور شده است. اینجا عارف با پیر و مراد خود، پیوستگی و تجانس دارد و در همین راستا میتوان آن خورشید را نیز بخشی از نور لایتناهی حق دانست و به وحدت وجود رسید:

از «جماران» شمس ایمان بر دلم تابیده است پرتوی زان شمس رخشانم، مرا باور کنید

(غزل‌های باغ ارغوان، گل‌مرادی: ص ۲۳۲).

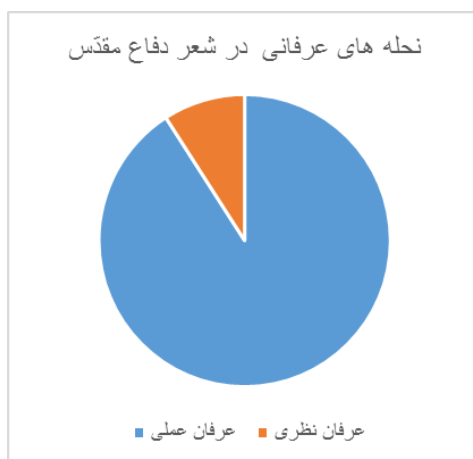
در کنار عرفان نظری، برخی شاعران به حکمت اشراق نیز نظر داشته‌اند که البته از حد تشبیه و استعاره فراتر نرفته‌اند:

در عالم عرفان همه‌تن جانی و پرواز
در عالم اشراق همه روحی و فرمند
(مجموعه شعر جنگ، شاهرخی و مشفق
کاشانی: ص ۱۶۸).

آمد از لیخند باران، آم از اشراق دور
کیست این مجنون عاشق، کیست این روح غریب
کیست این؟ یک شمس دیگر، وارث تیغ و غزل
مردی از آینه روشنتر، صداقت تاروپود
کیست این اندوه پرپر، کیست این داغ کبود
کیست این؟ یک روح شرقی، وارث عشق و سرود
(همان: ص ۳۵).

وادی شهادت، وادی اشراق است در شعر زیر:

آن حنجره آهنگ سروش خون بود
در وادی اشراق شهادت آن یار
آن پنجره، دستی که گشودش، خون بود
خون بود همه کشف و شهودش، خون بود
(شاعری در مشعر، حسینی: ص ۶۱).



نمودار ۱: نسبت کاربرد عرفان عملی و نظری در شعر شاعران دفاع مقدّس

بازتاب عرفان اسلامی در شعر دفاع مقدّس

باینکه عرفان و نحله‌های معنوی پیشینه‌ای دیرین دارند، عرفانی که امروز در کشور ما زبازد است، رنگ‌وبوی اسلامی دارد. هرچند گروهی بر سر عناد با عرفان هستند و آن را مغایر با تعالیم و ارزشهای دینی میدانند، عده‌ای بر آنند که بین عرفان و اسلام پیوند تنگاتنگی وجود دارد و به زبان دیگر، عرفان از اسلام هویت یافته و بالیده است: «تصوّف از نیمه قرن دوم هجری، شکل گرفته و بطور رسمی و مشخص در تاریخ اسلام شناخته می‌شده است. خاستگاه و سرچشمه عرفان اسلامی، قرآن، احادیث و سیره معصومین^ع است و زمینه‌های شکل‌گیری آن در صدر اسلام بوجود آمد. از آن روزگار تا نیمه دوم هجری، حدود یکصدوپنجاه سال زمان سپری شد تا تصوّف و عرفان اسلامی شکل گرفت» (عرفان عملی و نظری یا سنت اول و دوم عرفانی، میرباقری فرد: ص ۶۹).

در شعر زیر، منظور از عارفانی که نور عشق را سروده‌اند، رزمندگان دفاع مقدس است. این عارفان با ذکر نام و استعانت از پیامبر اسلام و امام اول شیعیان، راهی میدان شده و از جام معرفت چشیده و شهید شده‌اند:

«یا مصطفی محمد و یا مرتضی علی» گفتند عارفان و سرودند نور عشق
ساقی بیار باده جانبخش معرفت تا بشکنیم لاله‌صفت در حضور عشق
(خلیلی فر: ص ۵۷).

محمدرضا یاسری از پاداش شهیدان در آخرت سخن میگوید که طبق عقیده مسلمانان و وعده‌های کتاب آسمانی، بهشت جاویدان است. شاعر همینجا عرفان و اسلام را با هم تلاقی میدهد و میگوید شهیدان از باب عشق وارد بهشت میشوند:

ای شهیدان که خرمشهر، خرم از شماست
عشق جان افروزتان، گویای عرفان شماست
هر که از بایی بهشتی شد، شما از باب عشق
عاشقان را نیست غیر از معرفت اسباب عشق
(حماسه‌های همیشه، بیگی حبیب آبادی: ص ۱۳۱۲).

علیرضا مقامی کاشانی در شعر خودش بنحوی بارز بین دین و عرفان رزم‌آوران عرصه دفاع مقدس پیوند و ارتباط محکمی برقرار ساخته است.

اینان که شمیم آفتابند
معنای مجسم حدیثند
«قد قامت» مأذن قیامتند
تکبیر نماز سرخ وصلند
از جنس گل و سرشت آبد...
تفسیر مصوّر کتابند
چاووش طریقت صوابند
گلبانگ «الست» را خطابند
(صهبای عشق، باقری: ص ۴۳).

سبزواری نیز همین مضمون را به شیوه هنریتری بیان کرده است. او ابتدا از راه عشق و اشتیاق عاشق میگوید و سپس میگوید که روی تربت شهیدان نوشته شده است که بر کشته‌ای گریه کنید که از شما زنده‌ها، زنده‌تر نباشد:

در راه عشق جز عشق، زاد سفر نباشد
در سجده ارادت، باید ز خون وضو ساخت
بر تربت شهیدان، با خط خون نوشتند
ما و به سر دویدن، مرکب اگر نباشد
در کیش پاکبازان، حکم دگر نباشد
بر کشته‌ای بگریید، کو، زنده‌تر نباشد!
(سرود سپید، سبزواری: ص ۲۹۴).

ولایت

یکی از مشترکات عرفان و تشیع، قائل بودن به مقام ولی است. «علامه طباطبایی در کتاب رساله‌الولایه راه دستیابی به بواطن و حقایق عالم را که زمینه‌ساز دسترسی آدمی به سرمنزل مقصود عرفان عملی (توحید تام) است، راه ولایت میدانند. راه ولایت با شناخت نفس آغاز میشود و با فنای انسان در وجود سرمدی خدای سبحان استمرار مییابد. این دو نکته، یعنی شناخت نفس و فنای انسان که خود، نتیجه شناخت واقعی روح است، معنای ولایت را تشکیل میدهند. دستیابی به این ولایت تنها از سرمنشأ آن، یعنی ولایت مطلقه الهیه که پیامبر اکرم و وارثان او دارند، امکانپذیر است» (نسبت تصوّف و عرفان با تشیع و خاستگاه شیعی عرفان از منظر علامه طباطبایی، نوروزی: ص ۲۹).

در شعر علی شریف کاشانی، تلفیق عرفان و تشیع با ولایت امام حسین^ع نمود مییابد.

صلا ز ند حسین و کربلای او
 صلا ز ند به سالکان راه دین
 به عاشقان پاک‌رای پاک‌دل

که جان فدای نغمهٔ صلا ی او
 به رهروان وادی ولای او
 که میکنند جان خود، فدای او...
 (مجموعه شعر جنگ، شاهرخی و مشفق
 کاشانی: ص ۱۶۰).

عشق حسین^۴ منصوره‌هایی ساخته که تا ابد با یزیدها پیکار میکنند:

منصوره‌های وادی سرخ محبتند
 اینان چو مست عشق حسینند تا ابد

اینان کجا حذر ز سر دار میکنند
 با هر «یزید» و «حرمله» پیکار میکنند
 (خلیلی‌فر: ص ۱۲۲).

شهدا در شعر عباس خوش عمل، نغمه‌ای عارفانه دارند که در مکتب عشق و شهادت امام حسین^۴ پرورش یافته‌اند:

گلها به هم از غرور میگفتند
 از نغمهٔ عارفانه‌اش پیداست

سرباز دلاور خمین است، این
 پروردهٔ مکتب حسین است، این
 (مجموعه شعر جنگ، شاهرخی و مشفق
 کاشانی: ص ۱۰۴).

ولایت بعد از ولایت ائمه، ولایت فقیه است. مهدی فرمندی، سکر عارفانه و نور باطنی خویش را به تأثیر از پیروی ولایت میداند:

سرمست می و ضیا، با جام ولا بودیم
 در لحظهٔ بیخویشی، همبال کبوترها

جان پرگل و سنبل شد، تا یاد خدا کردیم
 در آبی بی‌پایان، یادی ز شما کردیم
 (لاله‌های سربلند، نطافت و منوری، ج ۲:
 ص ۱۵۷).

در شعر بعدی، فریدون شمس بطور کنایی از اطاعت و پیروی از ولی خویش (امام خمینی^۵) سخن میگوید و ولی خویش را عارفی سربدار و درمانگر دل میداند که فرمانش بوی عارفانه‌ای دارد:

درمان دل به دست تو بسپارم
 بانگ رحیل قافلّه را دارد
 ای سربدار بت‌شکن، ای سردار!

دستم اگر رسید به دامانت
 مفهوم عارفانهٔ فرمانت
 سر میدهیم بر سر پیمانت
 (مجموعه شعر جنگ، شاهرخی و مشفق
 کاشانی: ص ۱۶۶).

موضع شاعران دفاع مقدّس به عرفان

شاعران دفاع مقدّس نسبت به عرفان سه گونه موضع گرفته‌اند. گروهی همسو و هم‌نوا با آن، جنگ ایران و عراق را جولانگاه رزمندگانی عارف دانسته‌اند که به مراتب بالای عرفانی نائل گشته‌اند؛ از این گروه با «نگرش تأییدی» یاد شده است. گروهی دیگر با تعریض و کنایه به عرفان و مشاهیر آن مینگرند که دارای «نگرش نکوهشی» هستند، و در پایان گروه سومی وجود دارند که ضمن پذیرش و همراهی با تعالیم عرفانی، بر آنند که رزمندگان دفاع مقدّس، بویژه شهدا، به مرتبه‌ای از عرفان دست یافته‌اند که نسبت به هرچه عارف و واصل است، برتر و بالاتر

است. گروه اخیر «نگرش برتری‌جویانه» دارند. در این بخش، شواهد مربوط به هر گروه، بطور جداگانه نقل و بررسی می‌گردد.

نگرش تأییدی

بیشتر نمونه‌های شعری دفاع مقدس در زمره این گروه قرار می‌گیرند، اما برای پرهیز از اطناب به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود.

نادر بختیاری در شعر خود بوضوح از تلاقی جنگ با عرفان سخن می‌گوید:

هنوز در دل میدان رهی است تا به خدا	که تا وصال به الله شاهراه من است
من از تلاقی عرفان و جنگ آمده‌ام	امام، پیر من و جبهه خانقاه من است
به فکر آن همه خونم و گرنه با احدی	سر ستیز ندارم، خدا گواه من است
چگونه یوسف بازار این جهان باشم؟	غریبی و دل خون، کل مال و جاه من است
	(غزلهای باغ ارغوان، گل‌مرادی: ص ۶۵).

یونس رنجکش فضای معنوی جبهه‌ها را با تجربه‌های عارفانه یکی می‌داند:

تا بال دل و دیده به پرواز گشودیم	چون رویش حلاج، سر دار شکفتیم
تصویر ز تفسیر دل و درد کشیدیم	چون صاعقه از بغض دل زار شکفتیم
در وسعت خلوتکده آبی پرواز	بیخوده شده در معنی ایثار شکفتیم
	(کنار چشم خدا، محمدی‌پور: ص ۸۴).

شعر بعدی بطور واضحتری، رزمندگان را در جایگاه عارفان حقیقی قرار داده است و در نهایت ایشان را معرفت‌نوش دریای یقین خوانده است:

خطی از ایمان، شهود، آینه، آب	عشق، خون، ایثار، عرفان، شوق ناب
خوابی از تصویرهای رند و مست	کز تپش آینه‌ها را میشکست ...
محو حیرت بود چشم جانیشان	در ولای حق، دل و عرفانشان
معرفت‌نوشان دریای یقین	شاهدان عرصه «فتح المبین»
	(ردپای صدا، اسرافیلی: ص ۱۹۴).

نگرش نکوهشی

نگرش نکوهشی، به طرز تلقی‌ای از شاعران دفاع مقدس به عرفان برمیگردد که همراه با نکوهش و تعریض است؛ اشعاری که از آنها برمی‌آید شاعر روی خوشی به عرفان و آداب و رسوم آن ندارد. در شعر زیر، دیدگاه شاعر به صوفیان و مصطلحات ایشان دیدگاه تعریضی است. اگرچه بنظر میرسد با گفتن "ناصوفی سفره‌پرست"، روی سخنش به سالکان ریایی است، اما با دقت بیشتر در بیت آخر میتوان فهمید که شاعر نظر مساعدی به تصوف و صوفیگری ندارد، چون حتی از بالاترین مرتبه و نماد عرفانی که شهید حق است، نیز روی میگرداند و آن را حدیثی میدانند که باید به همان خلقی که از آن سخن می‌گویند، واگذار شود و در ادامه به تعریض، عارفان را "پوسیده‌دلق" میخواند.

ز من مپرس که‌ای از کدام آئینی؟	رکاب خونی اسب مرا نمیبینی؟
علم به دوش گروهان سوگوارانم	من از قبیله خونین سربدارانم...
حماسه خوانی مردان خون سفر زیباست	سماع سرخ خروس بریده‌سر زیباست

خوشا خوش فروزان به جاده افتادن	فتاده گام زدن، ایستاده افتادن
مرا چکار به ناصوفیان سفره پرست	به این نفس لجن‌آلودگان حفره پرست
دل هوایی و طوفان پرست دارم من	شراب سرخ حماسه به دست دارم من
حدیث دار و انال‌الحق به خلق واگذار	به این جماعت پوسیده‌دلق واگذار

(آخرین لحظه، واحدی: ص ۳۵).

شعر سپیدی که در ادامه نقل میشود، به نحو بهتری نکوهش و اعتراض شاعر را به عرفان نشان میدهد. ترکیبات حیل‌گران هفت‌خط، خلسه جفنگ شاعران انگور، حلول در هیأت صوفی... و نامهای شرابی، در این شعر، نماینده دیدگاه نکوهشی شاعرند. نکته قابل توجه، جدا کردن عشق از این گروه است: "پروانه عشق گریخته بود!" شاعر در پایان، سلوک را سادگی میداند:

حیل‌گران هفت‌خط/ عاشقی را رها کرده بودند/ و پروانه عشق گریخته بود/ از خلسه جفنگ شاعران انگور/ و زندان اوراق رمانتیک/ تا حلول در هیأت صوفی هزار و چهارصد ساله‌ای/ با نامهای شرابی/ بر لب/ شفق/ شهید میشد/ و فلق/ باز برمیخاست/ به وجد/ عطر ساده سلوک/ به کفشهای «امپدکلس»/ نه عصاهای آهنین/ و نه غارهای باستان/ سلوک، ساده بود/ سادگی ترجمه آزاد سلوک!/ پیرانی جوان/ جوانانی پیر/ تناقض دلپذیر! (کنار چشم‌خدا، محمدی‌پور: ص ۴۰).

در شعر زیر، شاعر با نام بردن از "عرفان کربلایی"، عرفان متعارف را بطور کنایی منکوب میکند؛ وقتی از زاویه امن خانقاه به تعریض سخن میگوید:

چه شد که آئینه‌ها را دوباره آه گرفت؟	ستاره‌ها دل شب گم شدند و ماه گرفت؟
چه شد که چهره تابان پهلوانان را	غبار عافیت و سایه گناه گرفت؟
چه شد که جان جلاخوردگان میدان را	غم سیاست و زنگار و حبّ جاه گرفت؟
سروده‌های تو از وصف گل معطر بود	چه شد که شعر تو بوی غبار و کاه گرفت
کسی که دعوی عرفان کربلایی داشت	چه شد که زاویه امن خانقاه گرفت؟

(به رسم طایفه عشق. محمدی: ص ۷۵).

شاعری دیگر، صوفی طریقت را برحقّ نمیداند و به تعریض، او را به حق‌جویی یا حق‌گویی دعوت میکند. او در بیت بعد، طریقت صوفیان را افسانه میخواند:

آنان که جان فروشند، با جبر در خروشنند	با جام لجه‌نوشان، پیمانانه برنتابد
ای صوفی طریقت، نقشی زن از حقیقت	در کیش حق‌پرستان، افسانه برنتابد

(سرود سپید، سبزواری: ص ۲۸۴).

نگرش برتری‌جویانه

هرچند میتوان دیدگاه نکوهشی را نزدیک با نگرش برتری‌جویی دانست و همچنین میتوان هر دو را در قالب نگرش نکوهشی آورد، اما این بخش بدین جهت از نگرش نکوهشی به عرفان جدا گردید که شاعران، بیشتر درصدد بالاتر نشان دادن بُعد عرفانی و تکامل روحی و مرتبه معنوی رزمندگان دفاع مقدّس نسبت به عرفان متعارف و سالکان طریقتند.

در شعر سپید زیر، شاعر از پیر و مرادی دیگر و عرفانی دیگر سخن میگوید که نسبت به عرفان متعارف، در نظر

شاعر رجحان دارد. پیر و مراد شاعر، فرمان دیگری میدهد و مریدانش، پیرو این فرمان، عشق را در عمل به آن میبینند، درحالیکه طرفداران بایزیدها در خانقاهها در تصوّر رسیدن به عشق هستند: پیر ما فرمود / «بهشت در سایه شمشیرهاست» / تو / در خانقاه بایزید ماندی و، ما / «به صحرا شدیم عشق باریده بود» (بر شانه‌های رود، دریاها شناورند، سهرابی نژاد: ص ۲۷۳).

در شعر زیر عارف واقعی را رزم‌آوران عرصه دفاع مقدس میدانند که عارفان بزرگی، چون بوعلی دقاق باید نزدشان شاگردی کنند:

پُرچم عرفان و عشق افراشته	باطن از کفر و نفاق انباشته ...
دعوی عرفان و حال معنوی	شیر رسوای کتاب مثنوی ...
ای چراغ معرفت افروخته	کیست جز تو، عارف دلسوخته؟!
«بوعلی» طفل دبستان شماس!	ریزه‌خوار خوان عرفان شماس!
	(به رسم طایفه عشق. محمدی: ص ۳۱۷).

در شعر زیر نیز شاعر، ضمن تأیید عرفان متعارف، از عرفانی دیگر سخن میگوید که در نظر او دارای مرتبه بالاتری است؛ عارفان از راز دل و عشق الهی آگاهند، اما کسان دیگری راز هستی را میدانند و حتی پیر و مراد ایشان از پیام معنوی دیگری مدهوش است:

قدسیان معراج ما بر بام ایمان دیده‌اند	مرغ جان در جذبۀ پرواز هوشی دیگر است
شب‌پرستان در حضور مرگ با شب خفته‌اند	بر لب خورشیدیان در شب خروشی دیگر است
خرقه‌پوشان گرچه آگاهند از اسرار دل	آن که داند راز هستی، خرقه‌پوشی دیگر است
فاتح تاریخ دلها میر میدان‌دار عشق	موج دریای دلش، جوشان ز جوشی دیگر است
آشنای راز میدانند که در محراب نور	پیر ما مدهوش پیغام سروشی دیگر است
	(برخاستگان مست، مردانی: ص ۱۵۳).

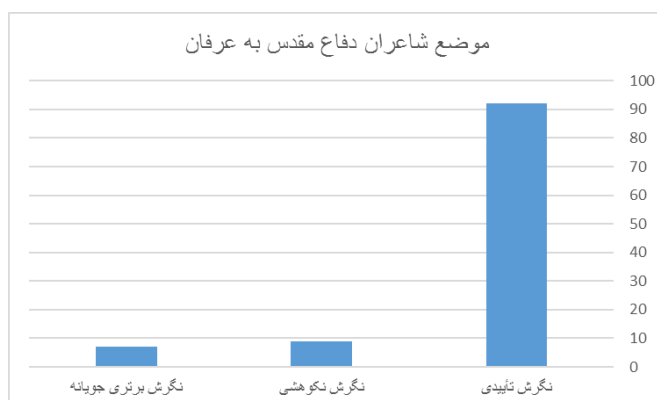
در شعر زیر، دیدگاه برتری جویانه شاعر بخوبی هویداست. حلاج که نخستین شهید عشق است، نمودی اندک از رفتار عارفانه رزمنده است. عارفان پس از طی مراحل و منازل سخت سلوک، تازه به جوار او میرسند و صوفی، با دیدن مقام معنوی او، دچار حیرت عارفانه میشود:

روح دریا خجل از وسعت آمال تو شد	به شگفتی سحر از سیطره بال تو شد
چه عجب از پر پروانه بسوزد به طواف	ذره‌ای خرد نصیبش چو از اقبال تو شد
گفت سردار انال‌حق به سردار ولی	قال حلاج، یکی ذره ز افعال تو شد
فارغ از دغدغه دور و تسلسل تو شدی	عشق عاشق به سر و سلسله و خال تو شد
رسد عارف ز منازل به جوارت، ای دوست	عمر عارف به یقین لطمه‌ای از حال تو شد
به طلب خرقه‌کشان صوفی مست آمده بود	به تحیر ز تماشا و هم از فال تو شد
حاصل کارگه کون و مکان این همه نیست	تو چه کردی که فلک والۀ احوال تو شد
	(صه‌بای عشق، باقری: ص ۳۷).

و در نهایت در شعر زیر از مهین زورقی، رزمندگان و شهدای دفاع مقدس، به عالمی ماورای عالم عرفان پر کشیده‌اند:

کبوتران افق با ستاره هم‌سفرند	ورای وادی عرفان، ز عالم دگرند
-------------------------------	-------------------------------

نه از تبار سپیده، که در کشاکش نور
 طلایه‌دار امید و منادی ظفرند.
 (مجموعه شعر جنگ، شاهرخی و مشفق
 کاشانی: ص ۱۳۵).



نمودار ۲ (موضع‌گیری شاعران دفاع مقدس نسبت به عرفان)

نتیجه‌گیری

از بررسی شعر حدوداً ۱۰۰ شاعر دفاع مقدس، با رویکرد عرفانی، این نتایج بدست آمد: شاعران دفاع مقدس از اصطلاحات و اندیشه‌های عرفانی در شعر خود استفاده کرده‌اند. نحوه استعمال شاعران از مفاهیم عرفانی، بیشتر محدود به همانندسازی و یا این‌همانی سلوک رزمندگان با عارفان است. شاعران، در بیشتر موارد، با اشاره به اصطلاحات عرفانی، درصدد رساندن مقصود خود، نمایش بُعد معنوی رزمندگان و شهدای دفاع مقدس برآمده‌اند.

شاعران دفاع مقدس به عرفان عملی و عرفان نظری (و حتی حکمت اشراق) نظر داشته‌اند، اما عرفان عملی، بیشترین حجم شعری را به خود اختصاص می‌دهد که با عرفان نظری فاصله زیادی دارد. عرفان نظری محدود به اندیشه‌های مضمّر در شعر چند شاعر است که به نظریه «وحدت وجود» نزدیک است. در شعر شاعران دفاع مقدس، بین باورهای دینی و مذهبی، عرفان و دفاع مقدس پیوند نزدیکی است که مسئله «ولایت»، مهمترین عامل این پیوند محسوب میشود. عرفان مورد تأیید شاعران دفاع مقدس، عرفان اسلامی و حتی عرفان کربلایی است.

شاعران دفاع مقدس سه گونه موضع‌گیری و یا سه نوع نگرش به عرفان دارند: نگرش تأییدی به عرفان؛ شاعرانی که در این مقوله می‌گنجند، شهدا و رزمندگان دفاع مقدس را با عارفان وارسته مقایسه میکنند و سعی دارند ایشان را دارای مقام و مرتبه عرفانی جلوه دهند. نگرش نكوهشی، به طرز تلقی‌ای از شاعران دفاع مقدس در مورد عرفان برمیگردد که همراه با نکوهش و تعریض است. این گروه، دیدگاه مثبتی به عرفان ندارند و حتی به صوفیان و اقوال و اعمال ایشان معترض هستند و بیشتر سعی دارند ایشان را متظاهر و اهل حرف و جویای عافیت نشان دهند. این نگرش برتری‌جویانه است که ضمن تأیید عرفان، سخن از عرفانی والاتر از عرفان متعارف بمیان می‌آید؛ از این دیدگاه، رزمندگان و شهدا بر عارفان متعارف برتری جایگاهی دارند.

مشارکت نویسندگان

دکتر منوچهر اکبری، آموزش روش تحقیق و نگارش، راهنمایی و بررسی دقیق پایان نامه دکتری دانشجوی یا همان نویسنده مسئول مقاله را بر عهده داشته و زیر نظر ایشان با سهم ۵۰٪ این مقاله استخراج شده است. دکتر علیرضا حاجیان نژاد، استاد مشاور دانشجوی (نویسنده مسئول) بوده و ضمن آموزش دروس مربوط به ادبیات عرفانی و ... در موارد متعدد با سهم ۳۰٪ دانشجوی را هدایت نموده‌اند. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، خانم حکیمه قطبی نژاد با سهم ۲۰٪ مسئول امور مربوط به تهیه، تدوین و ارسال این مقاله به سایت مجله سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی بوده است.

تشکر و قدردانی:

تشکر و قدردانی از جناب آقای دکتر مجد، مدیر مسئول محترم ماهنامه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی و همکاران گرامیشان که به نتیجه رسیدن این مقاله از یمن راهنمایی ایشان بوده است.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- The Holy Quran.
- Ansari, Qasem. (2004). *Fundamentals of Mysticism and Sufism*, Edition 5, Tehran: Tahoori, P.121.
- Bagheri, Ayat. (2005). *Sahba-ye Eshgh*, Tehran: Nasim Hayat.
- Baqli, Ruzbahan. (1987). *Abhar –alAsheqin*, Edited by Henry Carbon and Mohammad Moein. Edition 2. Tehran: French Iranian Studies Association, p.139.
- Barzanuni, Mohammad Ali. (1997). *Preservation and Transfer of Holy Defense*, *Mesbah Quarterly, Journal of Humanities*, Imam Hossein University. No. 22. pp.79-94.
- Basiri, Mohammad Sadegh. (2014). *Practical Wisdom, Basis of Iranian Sustainability Literature*, *Journal of Sustainability Literature*, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University. No. 10, pp. 43-64.
- Beigi Habibabadi, Parviz. (2003). *Everlasting Epics: Sacred Defense in the Poetry of Poets*, Volume 3, Tehran: Farhang Gostar.
- Forouzanfar, Badi' al-Zaman. (1988). *Sharh Masnavi Sharif*, Tehran: Zavvar, p.34.
- Forutanpey, Roozbeh. (2007). *From Rozaneh Mah (Collection of Quartets of Holy*

- Defense), Edition 2, Tehran: Khorshid Baran.
- Golmoradi, Shirin Ali. (2005). Lyrics of Arghavan Garden, Qom: Khorshid baran.
- Hosseini, Seyed Hassan. (2007). A poet in poetry, a selection of poems, Tehran: Taka.
- Israfili, Hossein. (2007). Traces of sound, excerpts of poems, Tehran: Taka.
- Javadi Amlı, Abdullah. (1998). Epic and mysticism, Qom: Captivity, P.155.
- Mardani, Nasrallah. (2007). Drunk risers, excerpts from poems, Tehran: Taka.
- Mirbagheri Fard, Seyyed Ali Asghar. (2013). Practical and theoretical mysticism or the first and second mystical tradition; Reflections on the Foundations of Sufism and Islamic Mysticism, *Journal of Research in Mystical Literature* (Gohar Goya). No. 2, pp. 65-88.
- Mohammadi, Jalal. (2012). According to the tribe of love, Tehran: Sadir.
- Mohammadipour, Faramarz. (2007). Next to the Eye of God (Collection of Poems of the Holy Defense of Gilan Province), Tehran: Sadir.
- Nayyeri, Mohammad Yusuf and Kheirandish, Seyed Mehdi. (2005). Martyrdom and martyrdom in Islamic mysticism. *Journal of Social Sciences and Humanities*, Shiraz University. No. 1, pp. 19-32.
- Nezafat, Majid and Monavvari, Hadi. (2010). Proud tulips; Excerpts from the first to third festivals of poetry of the holy defense of Khorasan province, Volumes one and two, Mashhad: Zolal Andisheh.
- Nowruzi, Asghar. (2013). The relationship between Sufism and mysticism with Shiism and the Shiite origin of mysticism from the perspective of Allameh Tabatabai, *Mystical Wisdom*. No. 2. pp. 25-42.
- Rostami, Ali. (2006). Garden of Belief; Collection of poems of the holy defense of Hamedan province, vol.1, Tehran: Sadir.
- Sabzevari, Hamid. (1989). White Song, Tehran: Keyhan.
- Sajjadi, Seyed Ja'far. (2004). Dictionary of mystical terms and interpretations, Edition 7, Tehran: Tahoori.
- Sangari, Mohammad Reza. (2004). Sustainability Literature, *Poetry Magazine*. No. 39.
- Shahrokhi, Mahmoud and Mushfaqeh Kashani. (1988). Poetry collection of Jang, Tehran: Amirkabir.
- Sohrabinejad, Mohammad Reza. (1999). Floating on the shoulders of rivers, Tehran: Khorshid Baran.
- Vahedi, Hamid. (2006). Last minute, Urmia: Adiban.
- Zaghian, Maryam. (2004). The sultry voice; Selected poems of the first conference of women's literature and holy defense of Isfahan province, Tehran: Sadir.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ادبیات پایداری، سنگری، محمدرضا (۱۳۸۳). مجله شعر. شماره ۳۹.

- از روزنه ماه (مجموعه رباعیات دفاع مقدس)، فروتن‌پی، روزبه. (۱۳۸۶). چاپ ۲. تهران: خورشید باران. آخرین لحظه، واحدی، حمید. (۱۳۸۵). ارومیه: ادیبان.
- آوای شرحی؛ برگزیده اشعار نخستین همایش ادبی زن و دفاع مقدس استان اصفهان، زاغیان، مریم. (۱۳۸۴). تهران: صدیر.
- باغ باور؛ مجموعه اشعار دفاع مقدس استان همدان، رستمی، علی. (۱۳۸۵). دفتر اول، تهران: صدیر.
- بر شانه‌های رود دریاها شناورند، سهرابی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۷). تهران: خورشید باران.
- بر خاستگان مست، گزیده اشعار، مردانی، نصرالله. (۱۳۸۶). تهران: تکا.
- به رسم طایفه عشق، محمدی، جلال. (۱۳۹۱). تهران: صدیر.
- حفظ و انتقال دفاع مقدس، برزونی، محمدعلی (۱۳۷۶). فصلنامه مصباح، مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین. شماره ۲۲. صص ۷۹-۹۴.
- حکمت عملی، بنمایه ادبیات پایداری ایران، بصیری، محمدصادق. (۱۳۹۳). نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر. شماره ۱۰. صص ۶۴-۴۳.
- حماسه و عرفان، جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۷). چاپ ۱۴. قم: اسراء. ص ۱۵۵.
- حماسه‌های همیشه: دفاع مقدس در شعر شاعران، بیگی حبیب‌آبادی، پرویز (۱۳۸۲). جلد سوم، تهران: فرهنگ گستر.
- ردپای صدا، گزیده اشعار، اسرافیلی، حسین. (۱۳۸۶). تهران: تکا.
- سرود سپید، سبزواری، حمید. (۱۳۶۸). تهران: کیهان.
- شاعری در مشعر، گزیده اشعار، حسینی، سیدحسن. (۱۳۸۶). تهران: تکا.
- شرح مثنوی شریف، فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۶۷). دفتر ۱ تا ۳. تهران: زوار. ص ۳۴.
- شهید و شهادت در عرفان اسلامی. نیری، محمدیوسف و خیراندیش، سیدمهدی. (۱۳۸۴). مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. شماره ۱. صص ۱۹-۳۲.
- صهباي عشق، باقری، آیت. (۱۳۸۴). تهران: نسیم حیات.
- عبه‌العاشقین، روزبهان، بقلی. (۱۳۶۶). تصحیح هانری کربن و محمد معین. چاپ ۲. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه. ص ۱۳۹.
- عرفان عملی و نظری یا سنت اول و دوم عرفانی؛ تأملی در مبانی تصوف و عرفان اسلامی، میرباقری‌فرد، سیدعلی‌اصغر. (۱۳۹۲). نشریه پژوهش‌های ادب‌عرفانی (گوهر گویا). شماره ۲. صص ۸۸-۶۵.
- غزلهای باغ ارغوان، گلمرادی، شیرین‌علی. (۱۳۸۴). قم: خورشید باران.
- فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سجادی، سیدجعفر. (۱۳۸۳). چاپ ۷، تهران: طهوری.
- کنار چشم خدا (مجموعه اشعار دفاع مقدس استان گیلان)، محمدی‌پور، فرامرز. (۱۳۸۶). تهران: صدیر.
- لاله‌های سربلند؛ گزیده آثار جشنواره‌های اول تا سوم شعر دفاع مقدس استان خراسان، نظافت، مجید و منوری، هادی. (۱۳۸۹). جلد اول و دوم، مشهد: زلال اندیشه.
- مبانی عرفان و تصوف، انصاری، قاسم. (۱۳۸۴). چاپ ۵. تهران: طهوری. ص ۱۲۱.
- مجموعه شعر جنگ، شاهرخی، محمود و مشفق کاشانی. (۱۳۶۷). تهران: امیرکبیر.

نسبت تصوّف و عرفان با تشیّع و خاستگاه شیعی عرفان از منظر علامه طباطبایی، نوروزی، اصغر. (۱۳۹۲).
حکمت عرفانی. شماره ۲. صص ۴۲-۲۵.

معرفی نویسندگان

حکیمه قطبی‌نژاد: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران پردیس بین‌المللی کیش، کیش، ایران.
(Email: h.qotbinejad@gmail.com) نویسنده مسئول:

منوچهر اکبری: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(Email: makbari@ut.ac.ir)

علیرضا حاجیان‌نژاد: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(Email: hajianjd@ut.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Hakimeh Ghotbinejad: PhD Student in Persian Language and Literature, University of Tehran Kish International Campus, Kish, Iran.
(Email: h.qotbinejad@gmail.com) نویسنده مسئول:

Manouchehr Akbari: Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Email: makbari@ut.ac.ir)

Alireza Hajiannejad: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Email: hajianjd@ut.ac.ir)